

گزارش «وطن امروز» از اهمیت سیاسی، اقتصادی و راهبردی منطقه آسیای مرکزی برای جمهوری اسلامی ایران

جایگاه ایران در بازی بزرگ جدید



می‌تواند با تکمیل راه‌گذر شمال-جنوب دسترسی بالاتری به این ناحیه پیدا کند. طبیعتاً پاکستان نیز به دلیل رقابت خود با هند به دنبال ارتباط موثرتر با آسیای مرکزی است تا بتواند ضمن مطیع کردن افغانستان، پشته‌نوا لجستیکی خود در برابر هند را افزایش دهد. ترکیه نیز دیگر کشوری است که در سال‌های گذشته مناسبات فراوانی با این کشورها برقرار کرده است. تشکیل شورای ترک یا شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان متشکل از ترکیه، جمهوری آذربایجان و ۳ کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان از مهم‌ترین ابتکارات ترکیه برای افزایش روابط خود با کشورهای این منطقه است.

بازی بزرگ حول محور یک راه

ابتکار کمربند و جاده، یک طرح سرمایه‌گذاری در زیربنای اقتصادی بیش از ۶۰ کشور جهان و توسعه ۲ مسیر تجاری «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی» است که شی‌چین پی‌ننگ‌دهنده کل حزب کمونیست چین و رئیس‌جمهور آن کشور آن را نخستین‌بار در جریان یک سفر رسمی به قزاقستان در سپتامبر ۲۰۱۳ معرفی کرد. این طرح سرمایه‌گذاری ۹۰۰ میلیارد دلاری، بزرگ‌ترین طرح سرمایه‌گذاری است که تاکنون توسط یک کشور ارائه شده است. در بخش ریلی، بر اساس طرح اولیه جاده، قرار بر این گذاشته شد که مسیر خط‌آهنی از چین تا آسیای میانه، ایران، آذربایجان، گرجستان و از آنجا به سمت روسیه یا ترکیه و در نهایت اروپا شکل گیرد. بنابراین مشاهده می‌شود که منطقه آسیای مرکزی از اصلی‌ترین بخش‌های این مسیر به شمار می‌رود که از آنجا مسیرهای موزایی شکل می‌گیرد. در صورت اتمام پروژه راه ابریشم جدید، معادلات منطقه دستخوش تغییرات

تنها راه مطمئن و نزدیک‌ترین مسیر دسترسی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد، می‌تواند از خاک جمهوری اسلامی ایران بگذرد. به همین دلیل در اوایل دهه ۷۰ جمهوری‌های نوپا در این منطقه تشکیل شده، ایران توانست از تبادلات موثری را ایجاد کرده و مناسبات را گسترش دهد. روسیه نیز پس از جدا شدن از بحران‌های اول فروپاشی، توجه دوباره خود را به این ناحیه نشان داد. به همین دلیل مبدع پیمان امنیت دست‌جمعی «CSTO» در سال ۱۹۹۲ شد. تا قبل از خروج ازبکستان از آن در سال ۲۰۱۲، ۴ کشور آسیای مرکزی در این پیمان حضور داشتند. همچنین روسیه پس از دوره بوریس یلتسنین و آغاز دوران ولادیمیر پوتین، با شروع مسیر رشد و قدرت‌یابی مجدد خود، توجه بیشتری به آسیای میانه اختصاص داد و نفوذش را در این ناحیه روزبه‌روز بیشتر کرد.

چین نیز در سال‌های اخیر سعی در نفوذ بیشتر خود در آسیای مرکزی داشته است. حوزه اصلی نفوذ چین در ناحیه مذکور به صورت اقتصادی است. بدون شک مهم‌ترین طرح چینی‌ها که می‌تواند مناسبات منطقه را چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ راهبردی دست‌خوش تغییر کند، ابتکار «یک کمربند، یک راه» یا همان راه ابریشم جدید است. شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در سفر دوره‌ای به ۴ کشور آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۳ میلادی این طرح کریدوری غلظیم و جنجالی را مطرح کرد.

در کنار این کشورها و قدرت‌ها، کشورهای دیگری نیز توجه وافری به افزایش نفوذ خود و تقویت مناسبات‌شان با کشورهای آسیای میانه کرده‌اند. از این میان می‌توان به هند اشاره کرد. هند نیز مناسبات فراوانی را با این جمهوری‌ها رقم زده و این کشور

گروه سیاسی؛ قرن نوزدهم یکی از مهم‌ترین دوران‌ها در تاریخ تحولات منطقه کنونی آسیای مرکزی تا آسیای جنوبی به حساب می‌آید؛ زمانی که ۲ ابرقدرت وقت یعنی پادشاهی بریتانیا و روسیه تزاری در کشمکش با یکدیگر برای کسب قدرت و منافع بیشتر در این ناحیه بودند. روسیه تزاری بنا بر وصیت پتر کبیر به وارثانش و همچنین خلأ ژئوپلیتیکی که همواره گرین‌گیر آن بوده است، به دنبال دسترسی به آب‌های گرم از سمت جنوبی خود بود. در طرف دیگر پادشاهی بریتانیا نگران دسترسی روس‌ها به الماس خود در آسیای یعنی «قراچ هندوستان» بود. همین امر منجر به شکل‌گیری دهه‌ها کشمکش میان ۲ ابرقدرت وقت در این منطقه از آسیا که در همسایگی ایران در حکومت قاجار قرار داشت، شد. از تأثیرات این بازی قدرت این بود که روسیه بر تمام منطقه آسیای مرکزی حاکمیت یافت و همچنین انگلیس‌ها مرزهای افغانستان را به نحوی شکل دادند تا منطقه‌ای حائل میان قلمرو تزارها و مستعمره بارزش خود یعنی هندوستان ایجاد شود.

این بازی بزرگ برای ایران مشکلات بسیار زیادی به‌وجود آورد. دولت ضعیف وقت که توانایی حفاظت از منافع ملی و سرزمینی را نداشت، نتوانست جلوی نفوذ این ۲ قدرت در گستره ایران‌زمین را بگیرد و به همین دلیل ایران به منطقه نفوذ روس‌ها در شمال و انگلیس‌ها در جنوب بنا بر قرارداد ۱۹۰۷ تبدیل شد. این مقطع در تاریخ کشورمان به نقطه‌ای سیاه بدل شد. با اینکه ایران در خط مقدم دعوی ۲ ابرقدرت قرار نداشت، ولی از تبعات منفی آن بی‌نصیب نماند.

اینکون پس از گذشت بیش از یک سده از پایان بازی بزرگ، تحولات کنونی نشان از شکل‌گیری بازی بزرگ دیگری در همین منطقه آسیای مرکزی و افغانستان دارد که به طور مستقیم بر ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود.

منطقه آسیای مرکزی در حال حاضر از ۵ کشور قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان تشکیل شده است. این منطقه از شمال به روسیه، از جنوب به ایران و افغانستان، از شرق به چین و از غرب به دریای خزر متصل است و هیچ دسترسی‌ای به آب‌های آزاد ندارد. با اینکه مساحت این ناحیه ۲۰۰ میلیون برابری مساحت ایران است، جمعیتی کمتر و حدود ۷۰ میلیون نفر را در خود جای داده است.

آسیای مرکزی طی سال‌های طولانی منطقه‌ای تحت حاکمیت روسیه تزاری و پس از آن اتحاد جماهیر شوروی بود که پس از فروپاشی ابرقدرت شرق، حاکمیت‌های مستقل یافتند. با فروپاشی شوروی اهمیت این ناحیه نیز افزایش یافت. آسیای مرکزی تا زمانی که تحت حاکمیت روس‌ها بود، راه برای اعمال قدرت و اعمال نفوذ قدرت‌های دیگر بسته بود. با فروپاشی شوروی، قدرت‌های دیگر نیز بنا را بر ورود به حیطه خلوت روس‌ها گذاشتند. جمهوری اسلامی ایران از نخستین کشورهای بود که جمهوری‌های جدا شده از شوروی را به رسمیت شناخت و شروع به برقراری ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آنان در دهه ۷۰ شمسی کرد. کشورهای غربی نیز تلاش‌های بسیاری برای افزایش نفوذ خود در این منطقه کردند. نخستین دلیل غربی‌ها - بویژه ایالات متحده آمریکا - برای نفوذ در آسیای مرکزی در آن زمان غیرقابل بازگشت کردن این منطقه برای تسلط مجدد روس‌ها بود. دلیل دوم نیز جلوگیری از نفوذ ایران در این منطقه بود. زیرا ایران به دلیل داشتن مرز مشترک با کشورهای مشترک‌المنافع فراوان تاریخی، فرهنگی و دیدنی امکان حضور موثر در کشورهای آسیای مرکزی را داراست. در کنار این اشتراکات،

پراخت اشاره شد اما کامکان وزارت نفت زنگنه این موضوع را نپذیرفته و ابهامات متعددی را از خود بروز داده است. موضوع دیگری که در عملکرد بسیار ضعیف دولت در برنده گازی ترکمنستان مشهود بود، اختلاف‌نظر بین نهادهای مختلف دولتی است. نهاد ریاست جمهوری با محوریت رئیس‌جمهور و محمود واعظی، وزارت امور خارجه و وزارت نفت ۳ قطع دولتی دخیل در این موضوع بودند. نمایندگان مجلس به نقل از ظرفیت بخش مهمی از مشکل را در وزارت نفت عنوان کرده‌اند. در این راستا توسط نمایندگان مجلس ذکر شده است که «وزیر خارجه در نامه‌ای به صراحت اعلام کرده است رفتار مجموعه وزارت نفت و اقداماتی که این وزارتخانه در این باره داشته موجب تنزل روابط ایران و ترکمنستان شده است». با این حال زنگنه، وزیر نفت در ادعایی بالعکس، سیاست خارجی را عامل اصلی ضعف در واردات و صادرات گاز عنوان کرده و تصریح می‌کند: «برای صادرات نیاز به سیاست خارجی برای توسعه روابط با همسایگان داریم. دلیل عدم موفقیت در صادرات، ناکامی در سیاست‌گذاری خارجی است». عدم موافقت وزارت نفت با توافق صورت گرفته با شرکت ترک‌من گاز در فروردین ۹۶ و عدم موفقیت در اجرای توافقات ناشی از سفر آقای واعظی در شهریورماه سال ۹۶ به عشق‌آباد نیز از جمله موارد دیگر محسوب می‌شود.

■ ضرورت بازگشت به روابط همسایگی

با وجود برجا ماندن میراث عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم، «همسایگی» اصل و عاملی خدشه‌ناپذیر در روابط تهران و عشق‌آباد است. این روابط می‌بایست فراتر از صرف مجاورت جغرافیایی، بلکه در چارچوب اعتمادورزی و اعتمادسازی، برادری و در حقیقت «خویشاوندی» پیش رود. به نظر می‌رسد دولت ترکمنستانی نیز معتقد به چنین نگاهی است. ترک‌من‌ها در ضرب‌المثلی معروف می‌گویند «قیامت گونی همسایدان» (روز قیامت نخستین سوال از حق‌حقوق همسایگی است). از این منظر احیای روابط همسایگی راهبردی‌ترین منافع ۲ کشور محسوب می‌شود که می‌تواند گره‌های به‌وجود آمده در حوزه‌هایی نظیر مبادلات تجاری، واردات گاز و مسائل ترانزیتی را نیز برطرف کند. این موضوع بویژه در زمینه از سرگیری واردات گاز به ایران با توجه به نزدیکی فصل سرما حائز اهمیت است. یکی از راهکارهای کلیدی برای جبران افت فشار گاز در نیمه شمالی کشور و پیشگیری از قطعی‌های برق و گاز، واردات گاز از ۲ خط لوله کانگیزان و کردکوی از ترکمنستان است. این ۲ خط لوله کنار توافق ۲۵ ساله ۲۰۱۹، زمینه ورود سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز به ایران را فراهم می‌آورد؛ موضوعی که در وهله نخست مستلزم یک توافق در زمینه بازپرداخت بدهی‌ها (در پرتو نگاه همسایگی) و نیز توافق جدیدی برای پرداخت‌های آتی است.



شریک تجاری ایران در آسیای مرکزی بود.

■ عملکرد ضعیف دولت اعتدال

در دوره عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم به‌طور کلی یک غفلت و در حقیقت رکود جدی در مناسبات با تمام همسایگان انجام گرفت که آسیای مرکزی نیز شامل آن می‌شود. سال ۱۳۹۲ مجموع مبادلات تجاری ایران با ۵ جمهوری آسیای مرکزی بیش از ۲ میلیارد دلار بود که در سال ۱۳۹۸ با پیش از شیوع بیماری کرونا به ۱۰۷ میلیارد دلار و پس از آن در سال ۹۹ به رقم بی‌سابقه ۶۷۵ میلیون دلار رسید. ترکمنستان نیز در این راستا بیشترین افت را تجربه کرده است. براساس آمار رسمی گمرک ایران در سال ۱۳۹۳، مجموع مبادلات تجاری ایران و ترکمنستان ۱/۱۱ میلیارد دلار بود که در سال ۹۹ این رقم بیش از ۵ برابر کاهش یافته و براساس داده‌های سازمان توسعه تجارت به ۱۴۱ میلیون دلار رسیده است. بیشترین افت نیز مربوط به صادرات ایران به ترکمنستان بوده که از ۹۹۷ میلیون دلار به رقم بی‌سابقه ۱۳۶ میلیون دلار رسیده است.

در حوزه مناسبات سیاسی نیز در قبال آسیای مرکزی و به‌طور ویژه ترکمنستان ضعف شدید دیپلماسی دولت کاملاً مشهود است. در حالی که در دوره دولت‌های نهم و دهم، رئیس‌جمهور ترکمنستان بارها به ایران سفر کرد و افتتاح یک خط لوله جدید و احداث یک کریدور ریلی جدید در آن دوره صورت گرفت، در بازه سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ قرابتی بردی محمداً تنها ۲ بار در سال ۹۲ برای شرکت در مراسم تحلیف حجت‌الاسلام روحانی و یک بار نیز در سال ۹۴ به تهران سفر کرد. در حال حاضر نیز بیش از ۶ سال از آخرین سفر رئیس‌جمهور ترکمنستان به تهران می‌گذرد.

امید رحیمی کارشناس آسیای مرکزی

جمهوری ترکمنستان یکی از شاخص‌ترین همسایه‌های جمهوری اسلامی ایران است. مرزهای ایران با این جمهوری امن‌ترین و کم‌حاشیه‌ترین مرزهای کشور طی ۳ دهه اخیر بوده است. روابط تاریخی ۲ کشور نیز از سال ۱۹۹۲ در پرتو حسن همجواری آغاز شد. با این وجود در دوره عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم، غفلت تاریخی از همسایگان و عملکرد فاجعه‌بار سیاست خارجی منطقه‌ای دولت دامنگیر روابط تهران با عشق‌آباد نیز شد و شماری از چالش‌ها بر فرصت‌های موجود در مناسبات دو و چندجانبه غلبه یافت. با این حال در دولت سیزدهم به نظر می‌رسد نگاه به همسایگان و البته توسعه مناسبات با ترکمنستان مجدداً به صورت راهبردی در دستور کار قرار گرفته است. رئیس‌جمهور ترکمنستان به دلیل میزبانی از سومین نشست سران کشورهای آسیای مرکزی نتوانست در مراسم تحلیف حجت‌الاسلام رئیسی شرکت کند اما این جمهوری یکی از هیات عالی‌رتبه به رهبری مقامات عالی‌رتبه پارلمانی این کشور به تهران اعزام کرد. قربانقلی بردی‌محمداً همچنین جزو معدود رؤسای جمهوری بود که پیش از مراسم تحلیف با حجت‌الاسلام رئیسی به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد. در حاشیه برگزاری نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان نیز رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان با یکدیگر دیدار کردند. چندی پیش نیز رشید مراداف، وزیر خارجه ترکمنستان به منظور شرکت در اجلاس همسایگان افغانستان به تهران سفر کرد. در همین بازه کوتاه نیز براساس اعلان‌های رسمی، مذاکراتی درباره از سرگیری واردات گاز توسط ایران انجام شده و توافقاتی نیز در زمینه واردات برق از ترکمنستان به دست آمده است.

اهمیت راهبردی ترکمنستان

ترکمنستان از جهات گوناگونی برای ایران حائز اهمیت است. ترکمنستان تنها نقطه امن در محیط پیرامونی کشور است که هیچ تهدیدی چه به صورت سلبی و چه حتی به صورت ایجابی از سمت آن متوجه ایران نیست. در عین حال در حوزه ژئوپلیتیک این جمهوری به عنوان تنها دروازه مستقیم و زمینی ایران به آسیای میانه و دسترسی زمینی به چین و شرق روسیه نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کند. در پرتو همین اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است که ۲ گذرگاه ریلی و چند گذرگاه جاده‌ای بین ایران و آسیای مرکزی، همگی از مسیر ترکمنستان می‌گذرد. این گذرگاه‌ها بویژه در پرتو استراتژی «نگاه به شرق» و در چارچوب آن توسعه مناسبات با چین، روسیه و ۴ جمهوری دیگر در آسیای